

«زن و مطالعات خانواده»

سال هفدهم - شماره شصت و دوم، زمستان ۱۴۰۲

ص ص: ۱۶۳-۱۸۳

ادبیات نهج البلاغه در تربیت مرد و زن در جامعه

نرجس نصراللهی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۳

چکیده

جایگاه زن و مرد در خانواده از دیرباز مورد توجه مسلمانان بوده است که متون آن را می توان در قرآن و نهج البلاغه کاوید. در نگاه دین، انسان موجودی است که از طرف خداوند جانشین او برای زمین گردیده و تربیت او - اعم از زن و مرد - باید در مسیر رسیدن به این هدف باشد. عواملی چون محیط طبیعی، محیط خانواده، اجتماع، معاشرت و دوستان تأثیر زیادی بر تربیت فرد دارند. ادبیات بزرگان قوم نیز می تواند در تربیت مردم مؤثر باشد. امام علی (ع) طبق متن نهج البلاغه رهنمودهایی برای زنان و مردان دارد تا جامعه را از آسیب های روانی ناشی از روابط ناشایست حفظ نماید. از جمله لوازم اصلاح روابط مرد و زن در جامعه، مهار شهوت جنسی و استفاده صحیح از ابزارهایی است که خداوند در اختیار انسان قرار داده است؛ مانند چشم، گوش، زبان، رفتار و عملکرد انسانها. در دوران جاهلیت پیش از اسلام و جاهلیت مدرن؛ زنده به گور کردن فرزندان مخصوصاً دختران، چند همسری، ازدواج با زن پدر، ازدواج با محارم، پیروی از شیطان، بی عفتی، شایعه پراکنی وجود داشت. این مقاله با شیوه ای توصیفی - تحلیلی به نقل و تحلیل کلام امام علی (ع) در تربیت اخلاقی زن و مرد و بررسی تأثیر آن در ایجاد سبک زندگی سالم در جامعه و مقایسه آن با روشهای جاهلی می پردازد.

کلید واژه ها: ادبیات نهج البلاغه، تربیت، روابط زن و مرد، جاهلیت.

۱. استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد سپیدان، دانشگاه آزاد اسلامی، سپیدان، ایران (نویسنده مسئول) n.nasrollahi@iausepidan.ac.ir

مقدمه

نهج البلاغه حاوی سخنان و متن خطبه‌ها و نامه‌های امیرمؤمنان(ع) است. اهمیت این کتاب از آن جهت است که سخنان پیامبر اسلام(ص) در متنی بدون خدشه و قابل قبول همه به مسلمانان نرسیده اما گردآوری نوشته‌های مولی علی(ع) توسط سید رضی - با استنادهای معمولاً قوی - کلام دومین فرد مهم اسلام را در اختیار ما نهاده است. جهل به محتوای نهج البلاغه سبب می‌گردد که ما نتوانیم ارتباط صحیحی با این کتاب ارزشمند برقرار کنیم. این پژوهش می‌کوشد با نگاهی تحلیلی و علمی به این سؤال پاسخ دهد که از دیدگاه نهج البلاغه روان سالم و متعالی چه مشخصاتی دارد؟ و چگونه می‌توان به سبک زندگی سالم از دیدگاه اسلام در حوزه روان‌شناسی دست یافت؟

سبک زندگی اسلامی به معنی روشی از زندگی است که مطابق با تعالیم اسلامی باشد. در حقیقت سبک زندگی اسلامی دربردارنده یک نظام و سیستمی است که بر زندگی انسان مسلمان حاکم بوده و بر همین اساس در علوم مانند علوم دینی، روان‌شناسی تربیتی، جامعه‌شناسی، پزشکی و ... مورد توجه قرار گرفته است.

تحول در حوزه‌های روان‌شناسی و تربیت سالم با محوریت سبک زندگی، مسائل بهداشتی، امنیت فردی و خانوادگی و تغییر در نگرش‌های مربوط به جسم انسان و جنسیت، تحول در حوزه‌های آموزش و پرورش و عرصه مذهب، ارزشها، هنجارها، ایدئولوژی با گسترده شدن رسانه‌های جمعی و ورود به عصر تکنولوژی نوین و تلاش برای ایجاد دهکده جهانی و انتقال سریع اطلاعات صورت پذیرفت. پژوهشگران مسلمان به دنبال پژوهش در سبک زندگی اسلامی برای تربیت جامعه می‌باشند.

نخستین مطلب این است که قرآن، آفرینش انسان را در بهترین جایگاه و شرایط شمرده و می‌فرماید: عمل هیچ زن و مردی ضایع نخواهد شد؛ یعنی زنان و مردان - هر دو جنس - از نظر قرآن در مقابل کرده خود مسئول هستند. زنان بدون الزام به همراهی با همسران نیز می‌توانند رأی خود را داشته باشند و مسیر خود را انتخاب کنند. (مانند آسیه در سوره تحریم آیه ۱۰ و ۱۱) و مریم که ذکر کرده و عجبیب از او در قرآن هست.

از نظر قرآن زن و مرد در انسانیت همسانند، و در اصل و ریشه انسانیت که همان روح می‌باشد بین آنها هیچ گونه تمایزی وجود ندارد. ولی علی رغم این همسانی در زمینه روان و جسم، تفاوت‌های قابل توجهی بین این دو صنف وجود دارد که این تفاوتها موجب تمایز بین این دو گردیده است. باید توجه داشت که مسأله تفاوت بین زن و مرد یکی از عجیب ترین شاهکارهای خلقت است و باید اذعان نمود که همین تفاوتهاست که زمینه جذب و عشق و همکاریهای فی‌ما بین و درک متقابل را برای زن و مرد ایجاد می‌کند.^۳

۱ - سوره تین/ ۴

۲ - آل عمران/ ۱۹۵

۳ - مجله پیام زن، شهریور ۱۳۸۰، شماره ۱۱۴، زن و نهج البلاغه با نگرش روان‌شناختی، قسمت اول، مریم معین الاسلام

یکی از مباحث مهم در و مورد نظر در تربیت زن و مرد، بحث "روابط بین زوجین" است. از نگاه نهج البلاغه رابطه بین زوجین صرفاً بر مبنای نیاز فیزیولوژی نیست بلکه شامل نیاز زیستی، نیاز عاطفی، نیاز روانی، اخلاقی، اقتصادی و عبادی و ... است. اسلام و سایر ادیان ابراهیمی برای پایبندی به رفتار جنسی مناسب مقام شریف انسانی قوانینی را معین کرده‌استمانند انحصار رابطه جنسی با زوجی متعهد تا زمینه‌ساز رشد و کمال فرد و جامعه شود. نگاه دینی در تربیت انسان با نگاه غیر دینی تمایزی چشمگیر دارد. در نگاه غیر دینی، انسان موجودی است که حاصل تکامل^۱ حیوان است و جدی مشترک با میمون دارد. چنین مبنایی موجب می‌شود که تنها مقصد انسان، لذت بردن از زندگی مادی باشد، اما در نگاه دینی، حقایقی ماورای ماده در عالم وجود دارد که بر انسان پوشیده‌است و تنها راه رسیده به آن، اطلاعاتی است که از طریق کتب آسمانی به ما رسیده و البته شیوه عملی عبادت و تلاش برای خود شناسی از طریق آن امکان می‌پذیرد.

قوانین دینی در ادیان ابراهیمی، تلاش دارد که چارچوبی معتدل و قانونمند در روابط زن و مرد وجود داشته باشد. طبق این قوانین، زناکاری حرام است؛ زیرا فرزندی از این روابط حاصل می‌شوند که حمایت پدر و خانواده پدری را نخواهند داشت و احتمال بروز بزه در میان ایشان بیشتر خواهد بود. زنان نیز در چارچوب ازدواجی قانونی از حمایتی بیشتر برخوردارند. در جامعه‌ای که پایبندی دینی در آن وجود ندارد، فاصله گرفتن از تعلیمات صحیح انبیا، شهوت‌رانی افسار گسیخته در رفع نیازهای مادی و غرائز بشری، سبب انحراف مردم از مسیر انسانی گشته‌است. پدیده‌های زشتی چون زناکاری، همجنس‌بازی، اختلاط ناسالم روابط مرد و زن، تحقیر زنان، استفاده ابزاری از زنان و توهین و ستم به آنان بسیار متداول است. البته چنین رفتارهایی در مناطق مختلف دنیا سابقه داشته‌است؛ مثلاً جامعه جاهلی عربستان در زمان ظهور اسلام نمونه‌ای بارز از جوامعی است که ناهنجاریها در رفتار با زنان در آن بسیار است؛ مانند محرومیت زنان از ارث و حتی به ارث رسیدن زنان، رایج شدن شیوه‌هایی ناهنجار برای طلاق (ظهار و ایلاء و ضرار) و زنده به گور کردن دختران و زناکاری آشکار و پنهان.^۲ بررسی کلام امیر مؤمنان می‌تواند در شناخت نگاه خاص آن امام بزرگوار نسبت به هویت انسان و حتی هویت جنسیتی ایشان راه حلی باشد.

افسار گسیختگی در جامعه امروز در روابط زنان و مردان؛ تبلیغ بسیار گسترده هم جنس‌گرایی و تلاش برای عادی کردن چنین روابط غیر طبیعی - که حتی امتداد نسل بشر را نیز تهدید می‌کند، نمایش رفتارهایی دور از شأن انسان مانند ازدواج انسان با حیوانات اوج جاهلیت مدرن است. غرب برای توجیه چنین روابطی حتی از جریان پیشرفت علم نیز مدد می‌جوید.

۱ - داروین و نظریه تکامل، نشر ققنوس ۱۳۹۰، کریستین لوسن، مترجم: سارا هاشمی

۲ - مقایسه وضعیت زن در دوره جاهلیت و بعد از اسلام، تاریخ نو تابستان ۱۳۹۴، مصطفی پیرمردیان متین السادات اصلاحی مهشید السادات اصلاحی

اصول تربیت

شریعتداری معتقد است اصول تربیت مفاهیم نظریه‌ها و قواعد نسبتاً کلی است که در بیشتر موارد صادق است. این اصول مبتنی بر تعالیم دینی و تحقیقات روان‌شناسی، جامعه‌شناسی فرهنگی و نظریات مربیان بزرگ و دانشمندان تعلیم و تربیت است. تعلیم و تربیت رشته‌های مختلف روان‌شناسی مثل روان‌شناسی رشد، روان‌شناسی یادگیری را شامل می‌شود. مربی باید از روان‌شناسان کمک گیرد اما در هر دوره فرد در اجتماع زندگی می‌کند از نظر روان‌شناسان احتیاجات روانی به اندازه احتیاجات بدنی در تأمین بهداشت جسمانی و روحی تأثیر دارد. احتیاجات عمده روانی که عدم تأمین آنها موجب اضطراب و ناراحتی در افراد است عبارتند از:

(الف) احتیاج به محبت؛

(ب) احتیاج به بستگی و تعلق به گروه؛

(ج) احتیاج به بیان و ابراز وجود؛

(د) احتیاج به امنیت، نظم، هدف.

تربیت از دیدگاه غرب و روش و ابزار آن

هدف تربیت از دیدگاه غرب با توجه به شناخت این دیدگاه از انسان، تربیتی فعال است. در این نوع پرورش کمال و تعالی دنیوی انسان مقصود نهایی است. در این دیدگاه کنترل درونی لحاظ نگردیده است. بزرگترین عامل رشد انسان، اراده اوست. انسان متعالی با قابلیت‌هایی که دارد و اراده شکست ناپذیر او در طی کمالش او را کمک خواهد کرد. در دیدگاه غرب، انسان موجودی فانی است. لذتها همه مادی‌اند. پس این انسان محدود، می‌کوشد تا تمام کمال مادی خود را به دست آورد و با ولع تمام از دیگران در تصاحب آن پیشی گیرد. روشها همه مادی‌اند، از طریق ابزارهای آزمایشگاهی قابل کنترل و همه قابل مشاهده‌اند. استفاده از برنامه و ماشینهای آموزشی، روش آزمودنی تنها روش مورد نظر است. نهایت کار انسان مرگ است و مرگ، بن بست برای انسان است و البته نامیرایی نیز - اگر بتوان به آن رسید - هدفی کسالت بار و بیهوده است.

پیاژه یکی از معروفترین روان‌شناسان غربی است. وی عامل "شناخت" را در تربیت انسان در نظر می‌گیرد. و به ساختار کلی جهت دار و متعالی انسان که از زیست به سوی روان است تکیه دارد، این نگاه او گویای این حقیقت است که درون سازی جز از طریق برون سازی امکان پذیر نیست. در واقع تعامل درون و محیط می‌تواند، ایجاد کننده ساخت‌هایی کامل تر باشد. هدف تربیت از دیدگاه پیاژه این است که تربیت باید باعث شکوفایی کامل شخصیت و تحکم و احترام، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. از دیدگاه

پیاژه سه دیدگاه متمایز وجود دارد ۱- بعد زیست شناختی؛ ۲- تعامل آزمودنی و محیط؛ ۳- تعامل روان شناختی.

روش کار پیاژه، تقریری، فعال، شهودی، استفاده از برنامه و ماشینهای آموزشی، روش آزمودنی است.^۱

جان دیویی یکی از روان شناسان غربی است که معتقد است اساس تعلیم و تربیت قدیم تحمیلی از طرف مقامات بالا و منابع خارجی و تحمیلی از موازین افراد سالمند و مواد و موضوعات درسی به آنهاست که در حال رشد و تکاملند؛ می باشد، از منظر او تعلیم و تربیت به معنی آگاهی است و با آشکار کردن استعدادها به تشکیل و پرورش قوای ذهنی (دسیپلین رسمی) پرداخته و به تشکیل ذهن مبادرت می نماید. تعلیم و تربیت به عنوان تکرار گذشته و توجه به گذشته است و مانند تشکیل و تجدید ساختمان می باشد. ارتباط دادن تعلیم و تربیت با تجربه شاگردان یکی از جنبه های اساسی تعلیم و تربیت جدید است ولی مسأله، داشتن یک تصور صحیح از تجربه است. او مخالف کنترل خارجی است و اثر آن را در رفتار افراد سطحی و بی ارزش تلقی می کند؛ ولی معتقد است که رهایی از کنترل خارجی مستلزم تسلیم در مقابل امیال و هوسها نیست اگر کسی خود را از کنترل عوامل خارجی رها سازد و تسلیم هوسها و تمایلات خود شود در این صورت عامل خطرناکتری را حاکم بر اعمال خود ساخته است. رهایی از کنترل خارجی وقتی مفید است که عقل و خرد فرد حاکم بر تمایلات و هوسهای او باشد. از منظر دیویی عامل بیرونی شامل وراثت، عوامل فیزیولوژی، طبیعت، ماده، اجتماع و عوامل درونی شامل اراده، آزادی، قدرت انسان در شخصیت انسان مؤثر است. به نظر وی محرک درونی و تمایل هیچکدام هدف نیستند هدف بمنزله یک نقطه نظر نهایی است، یعنی هدف متضمن پیش بینی نتایج است که در اثر اجرای محرک درونی ظاهر می گردد.^۲

انسان از دیدگاه امام علی (ع) و مکتب اسلام، در این جهان فناپذیر است. انسان محدود به جهان مادی نیست و حقیقت زندگی او بعد از جهان مادی به وقوع می پیوندد. انسان مسلمان می کوشد تا در عالم ماده تربیت شود و کمال انسانی را کسب نماید و برای بقای ابدی آماده گردد.

پرسش پژوهش: تعالیم نهج البلاغه در فرهنگ سازی و تربیت اسلامی افراد جامعه چه تأثیری دارد؟
پیشینه موضوع: نویسنده ضمن بررسی متن اصلی نهج البلاغه، از شرحهای متعددی مانند شرح ابن میثم بحرانی، و نیز شرحهای جدید نهج البلاغه مانند پیام امام مکارم شیرازی و کتب مستقل مرتبط جدید مانند علی صفایی حایری، تعیین الگو و طبقه بندی موضوعات در مهندسی فرهنگی کشور علیرضا پیروزمند و ترجمه های عبدالمحمد آیتی و محمد دشتی و نیز اصول تعلیم و تربیت جان دیویی، اصول تعلیم و تربیت

۱- تربیت ره به کجا می سپارد؟، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵ پیاژه، دکتر منصور، ترجمه دکتر دادستان
۲- تجربه و آموزش و پرورش، تهران، انتشارات کتاب، ۱۳۸۲، جان دیویی، ترجمه علی اکبر میر حسینی

شریعتمداری، دیدگاه تربیتی پیازه و... بهره برده است و تلاش کرده است تا نگاه دو مکتب متفاوت به مبحث تعلیم و تربیت و تفاوت‌های زن و مرد را مقایسه و تحلیل کند.

روش تحقیق

نگارنده در نگارش این مقاله از روش توصیفی-تحلیلی، مقایسه‌ای بین دیدگاه تربیتی غرب و امام علی (ع) استفاده نموده است.

تأثیر واژگان در ایجاد فرهنگ در جامعه

انتقال فرهنگ در فراگیری زبان‌ها مؤثر است. وجود گونه‌های زبانی نیز تا حد زیادی به وجود فرهنگ‌ها وابسته است. در «ادبیات نهج‌البلاغه در فرهنگ سازی تربیت مرد و زن در جامعه» لازم است بررسی نماییم چگونه یک لفظ به یک عقیده، سنت و باور تبدیل گشته و در تربیت مردم نقش آفرینی می‌کند؟ نهج‌البلاغه با ویژگی‌های نظم، بلاغت، سبک، آهنگ، سنت شفاهی، تصویر پردازی، استعاره، تمثیل، ارتباطات درون متنی، و... بستری فرهنگی و معرفت شناسی تاریخی جهت تغییر ارزش‌های جاهلی و جایگزینی ارزش‌های اسلامی و انسانی در جامعه فراهم آورده است.

تربیت، شخص را از افراط و تفریط بیرون آوردن و به حد اعتدال سوق دادن است. تربیت در جریان زندگی انسان نقش مهم و اساسی دارد. بعضی از متخصصین تربیتی علاوه بر مربی، جامعه را نیز جزو عناصر تربیت محسوب می‌کنند. انسان‌ها از بدو خلقت خویش سعی نموده‌اند تربیت را در جامعه اعمال نمایند.

یکی از دلایل جاهلان برای انجام کارهای زشتشان این بود که در کارها از پدرانشان تقلید می‌کردند و آن را به خداوند نسبت می‌دادند. (الاعراف، ۲۸) اسلام، جهان بینی مسلمانان را بر اساس مکتب اسلام تغییر داد؛ روشی انسانی و اسلامی را در تربیت به کار برد که قبل از آن سابقه نداشت. بسیاری از امور جاری زندگی عرب را باطل و حرام اعلام نمود. به بعضی از رفتارها، عملکرد جدید داد. معرفت شناسی در دوره جاهلی-اگر بتوان نامش را معرفت شناسی نهاد- بر پایه اصالت تبعیت از پیشینیان بدون توجه به خردگرایی و تأمین نیازهای مادی بود. نتیجه این تفکر، ایجاد نظام تبعیض در جامعه، برتری مردان بر زنان، از بین رفتن حقوق زنان، توهین و ستم به زنان، زنده به گور کردن دختران، منفعت طلبی، قدرت طلبی، تبعیت بی چون و چرا از پدران، پایمال شدن حقوق مظلومان و ایجاد خرافات و موهومات، تجاوز به حقوق فردی و ... بود. براساس مطالعات انجام شده؛ فرهنگ، جهت ایجاد تغییر و تربیت در جامعه دارای لایه‌های گوناگونی است که پایین‌ترین درجه فرهنگ بنیادی و بالاترین درجه فرهنگ تخصصی است.

فرهنگ بنیادی: زیر بناهای فرهنگ تخصصی جامعه است. فرهنگ بنیادی از نرم افزارهای اساسی در تولید علوم و طراحی ساختارها به دست می‌آید.

فرهنگ عمومی: فرهنگ عمومی به معنای فرهنگی است که آحاد جامعه و تک تک افراد جامعه آن را پذیرفته‌اند.

فرهنگ تخصصی: فرهنگ تخصصی عبارت است از آن دسته ارتکازات و پذیرش‌های اجتماعی که تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان آن، افراد محدودی از جامعه هستند، که دارای سطح تحصیلات و سواد بالاتری می‌باشند. به عبارت دیگر فرهنگ تخصصی، مخصوص نخبگان جامعه بوده که برای توده مردم خط مشی تعیین می‌کنند.^۱

ادبیات و تربیت جامعه

واژه «ادبیات»، هم در زبان عربی و هم در زبان فارسی، واژه‌ای تازه ساخت است که پیشینه چندانى ندارد و در متون پیشین فارسی و عربی، نشانی از آن نیست و بیش از صد سال از عمر آن نمی‌گذرد. آغاز پیدایی و گسترش این واژه نوساخته به ارتباط بین شرق و غرب باز می‌گردد. ادبیات نهج البلاغه، ادبیاتی است که بر محور نهج البلاغه بنیاد گرفته‌است. یکی از آشکارترین جلوه‌های اعجاز نهج البلاغه، اعجاز هنری، ادبی و بلاغی به‌شمار می‌رود. کلام نهج البلاغه بر مبنای عرف عام است و از استعاره، کنایه و نماد برای تفهیم بهتر و سریعتر مطالب استفاده می‌شود، امام علی (ع) از صناعات ادبی جهت تقریب ذهن و حرکت از محسوس به معقول بهره می‌برد. نهج البلاغه به معنای «راه شیوایی» گزیده‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان کوتاه منسوب به امام علی (ع) است که توسط سید رضی در قرن چهارم ه. ق بر اساس ذوق ادبی شخصی‌اش از نامه‌ها و خطبه‌های علی (ع) فراهم آورده‌است. ادبیات در نهج البلاغه نظام اصطلاحات تربیتی نهج البلاغه را شامل می‌شود و بیانگر جهان بینی اسلام است. امام علی (ع) به طرح مباحث جدید اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، عبادی، اخلاقی و دینی پرداخت و به تبع آن پیدایش معانی جدید در واژگان و بیان زیر ساختهای مکتبی نظام اسلامی شکل یافت. نظام اصطلاحات تربیتی در ادبیات عرب در عراق به وجود آمد. ایشان با زیباترین بیان، برای اصلاح و تربیت روابط مرد و زن در محیط اجتماع بستر روحی - روانی آماده نمود.

۱ - تعیین الگو و طبقه بندی موضوعات در مهندسی فرهنگی کشور، موسسه فرهنگی فجر ولایت، ۱۳۸۴، پیروزمند، علیرضا، مصطفی جمالی



واژگان در ایجاد نظام اصطلاحات در جامعه



فرآیند تبدیل لفظ به عقیده در جامعه

تربیت مرد و زن در جامعه از منظر نهج البلاغه

انسان موجود اجتماعی است. مرد و زن هر دو در عرصه اجتماع حضور دارند. ادبیات نهج البلاغه قوانین حقوقی خود را برای سامان دادن به وضعیت اجتماعی مسلمانان ارائه داد و به روابط زن و مرد در اجتماع ساختار بخشید و تبیین اصولی جدید بر اهمیت هدفدار شدن روابط مرد و زن در جامعه، تأکید کرد. با مطالعه در ادبیات نهج البلاغه می‌توان روابط مردان و زنان را در محیط اجتماع به ابعاد زیر تقسیم‌بندی نمود:

کنترل چشم

استفاده صحیح از چشم و گوش جهت تربیت مؤمنان

گوش و چشم به عنوان دو حس اصلی از ابزارهای شناخت و ارتباط با جهان خارج می‌باشد نقش زیادی در حس ادراک دارد. نهج البلاغه به مردان و زنان مؤمن استفاده صحیح از ابزار چشم و گوش را سفارش کرده است. «أَيُّ الَّذِينَ عَمُرُوا فَنَعِمُوا، وَعَلَّمُوا فَفَهَّمُوا، وَأَنْظَرُوا فَلَهَوْا، وَسَلَّمُوا فَسَلُّوا» کسانی که عمر طولانی به آنان داده شد و در ناز و نعمت به سر می‌بردند، اما قدر آن را ندانستند و هرگز به آن عمل نکردند و به بیهوده کاری پرداختند و آنها که سلامت نصیبشان شد، ولی این نعمت بزرگ را فراموش کردند و هیچ گاه شکر آن را به جا نیاوردند. نکته تربیتی این خطبه آن است که امام علی (ع) به خصوصیت انسان، نسیان و فراموش کاری انسان اشاره نموده‌است. در مکتب غرب انسان راهی بکار می‌برد که سود و منفعت بیشتر و رفاه مادی داشته باشد. اما در مکتب امام علی (ع) از انسان می‌خواهد تا با کارهای بیهوده عمر خود را هدر نهد و از عمر خود نهایت استفاده را نماید. در ادامه خطبه (قَبْلَ الضَّنْكِ وَالْمَضِيقِ وَالرَّوْعِ وَالرُّهُوقِ وَقَبْلَ قُدُومِ الْغَائِبِ الْمُتَنْظِرِ) امام (ع) انسان را در این دنیا در حصار تن و زنجیرهای جسم، اسیر می‌داند و مرگ را مرحله‌ایی می‌داند که او را از این وابستگی می‌رهاند.

راه کنترل چشم و گوش: امام علی (ع) از انسان می‌خواهد در این جهان مادی، قدر نعمت‌ها را بداند و شکرگزار باشد و از نعمت‌های الهی درست استفاده کند. چون مرگ به صورت ناگهانی به سراغ انسان خواهد آمد، اگر در این عمر کوتاه از این نعمت‌ها درست استفاده نکند در جهان دیگر گرفتار می‌شود. «وَلَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ كَانَتَا عَلَىٰ عَبْدٍ رَتَقًا، ثُمَّ اتَّقَى اللَّهَ، لَجَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْهُمَا مَخْرَجًا»^۲ اگر درهای آسمان‌ها و زمین‌ها به روی بنده‌ای بسته شده باشد، و او تقوای الهی را پیشه کند، خداوند، راهی از زمین و آسمان برای او خواهد گشود. امام (ع) از انسانها می‌خواهد از این فرصت کوتاه دنیا بهره‌مند شود تا از پشیمانی در عالم دیگر در امان بماند.

کنترل گفتار

کنترل گفتار در بیان بهترین قول

درفرنگ غربی کلامی سودمند است که رفاه مادی بیشتری برای انسان فراهم کند. برای رسیدن به این هدف ازدروغ، تدلیس، خشونت، مسخره کردن، خودستایی، آزار رساندن به دیگران بهره می‌برد. امام علی (ع) کنترل زبان را پایه نخست اصلاح زبان می‌داند، و آن به معنی مراقبت جدی و شدید برای نگهداری زبان از هرگونه انحراف، و خطاگویی می‌داند. هرگاه زبان، رها و هرز باشد، بزرگترین بلا برای انسان خواهد شد، و محصول آن جز فتنه، گناهان بزرگ و انحراف ویرانگر و خانمان بر انداز نخواهد بود.

۱ - پیام امام، ناشر دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۶، مکارم شیرازی، ناصر، خطبه، ۸۳

۲ - نهج البلاغه خطبه، ۱۳۰

۳ - کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی؛، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۵ مترجم محمدصادق عارف و دیگران، شرح نهج البلاغه، خطبه، ۱۳۰

از آنجا که زبان مهم ترین وسیله ارتباطی انسانها با یکدیگر و اطلاع رسانی و مبادله اندیشه‌ها و افکار است، می‌توان آن را از فعال ترین عضو بدن یاد کرد. زبان بیش از هر چیز بر انسان حاکمیت دارد و اگر افسار گسیخته باشد، خطرات آن با خطرات هیچ یک از اعضاء دیگر قابل مقایسه نیست. آفات و گناهان کبیره‌ای که از زبان بر می‌خیزد، بسیار است مانند: تهمت، دروغ، غیبت، سخن چینی، گواهی به باطل، خودستایی، اشاعه فحشا، نشر اکاذیب، بیهوده گفتن، ناسزا گویی، خشونت با زبان، اصرار بی‌جا، تکدی‌گری و چاپلوسی، مسخره کردن، آزار رساندن به دیگران، نکوهش دیگران، کفران نعمت، تبلیغ باطل و تشویق به گناه، وعده دروغ، بد زبانی، ایجاد نفاق و... از آفات زبان است. در روایات اسلامی از سکوت تمجید شده، این سکوت همان عاملی است که موجب کنترل زبان می‌شود. و به اصطلاح سکوت ترمزی در زبان ایجاد می‌کند و چنین سکوتی غیر از تسلیم در برابر ظلم است که مردود می‌باشد. سخن گفتن بیهوده در پیچ و خم‌های خطیر زندگی مادی، باعث خطرهای سنگین و غیر قابل جبران خواهد شد. زبان با سرعت عجیبی در دهان گردش می‌کند و با شتاب، مقاطع حروف را مشخص می‌کند. با سرعت شگفت‌آوری کلمات و جمله‌ها را می‌سازد و هرگز خسته نمی‌شود! کنترل زبان، داشتن تربیت اسلامی، دوری از فحاشی، نرم‌خویی مراحل تربیتی امام (ع) است. امام (ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «وَأَجْعَلُوا اللِّسَانَ وَاحِدًا»: یک زبان باشید. امام (ع) جهت تربیت مؤمنان از آنان می‌خواهد منافق نباشند. در جامعه‌ای که افراد دو چهره و دو زبان و منافق باشند، اعتماد و محبت و همدلی که مهم ترین سرمایه زندگی اجتماعی است بر باد می‌رود و محیط زندگی به جهنم سوزانی تبدیل می‌شود. همه با بدبینی به یکدیگر می‌نگرند و همه از هم وحشت دارند. «وَلِيَخْزُنُ الرَّجُلُ لِسَانَهُ، فَإِنَّ هَذَا اللِّسَانَ جَمُوحٌ بِصَاحِبِهِ»: انسان باید زبان خود را نگه دارد، زیرا این زبان، سرکش است و صاحبش را به هلاکت می‌افکند. «وَلِيَخْزُنُ الرَّجُلُ لِسَانَهُ»: کنترل زبان تربیت صحیح انسان است. «وَاللَّهِ مَا أَرَى عَبْدًا يَتَّقِي تَقْوَى تَنْفَعُهُ حَتَّى يَخْزُنَ لِسَانَهُ»: به خدا سوگند! باور نمی‌کنم بنده‌ای زبانش را حفظ نکند، به درجه‌ای از تقوا برسد که به او سود نبخشد. از حضرت علی (ع) روایت شده است: «قَلْبُ الْأَحْمَقِ فِي فِيهِ وَلِسَانُ الْعَاقِلِ فِي قَلْبِهِ، قَلْبُ أَحْمَقٍ فِي دَهَانِ أَوْسْتِ وَزَبَانُ عَاقِلٍ فِي قَلْبِ أَوْسْتِ»^۲ در تربیت لازم است انسان در کلام عقل خود را بکارگیرد. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه درباره دوری از سخن زشت می‌فرماید: «بعیدا فحشه لینا قوله...»^۳ از سخن زشت دوری کنید و در گفتار نرم‌خو باشید. امام (ع) در نهج‌البلاغه توجه به امتحان الهی را یکی از راههای تربیتی می‌داند: «أَلَا وَإِنَّ بَلِيَّتَكُمْ قَدْ عَادَتْ كَهَيْئَتِهَا يَوْمَ بَعَثَ اللَّهُ نَبِيَّهُ»^۴: آگاه باشید آزمونهای شما درست همانند روزی که خداوند پیامبرش را مبعوث ساخت. انسان در تمام مراحل زندگی مورد آزمایش و امتحان قرار می‌گیرد و امام (ع) از انسانها می‌خواهد همیشه آماده باشند. «وَالَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لَتَبْلُبْنَ بَلْبَةً، وَ لَتَغْرِبْنَ غَرْبَةً، وَ لَتَسَاطُنَّ سَوَاطِنَ الْقُدْرِ، حَتَّى يَعُودَ أَسْفَلَكُمْ

۱ - پیام امام، ناشر دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۶، مکارم شیرازی، ناصر، خطبه ۱۷۶

۲ - نهج‌البلاغه، کلمات قصار، ۴۱

۳ - نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳

۴ - نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶

أَعْلَاكُمْ، وَ أَعْلَاكُمْ أَسْفَلَكُمْ»؛ شما همچون محتوای دیگ به هنگام جوشش، زیر و رو خواهید شد آن گونه که افراد پایین نشین، بالا و بالانشینان، پایین قرار خواهند گرفت! امام (ع) از سختیهای دنیا و جدا شدن سره از ناسره سخن می گوید. امام (ع) در نهج البلاغه، گناهان را به اسب سرکشی تشبیه می کند که صاحبش را به دوزخ می کشاند. و تقوا را به اسب رامی تشبیه می کند که صاحبش را به سر منزل مقصود می رساند. راه علاج کنترل گفتار: امام علی (ع) انسانها را از گناه برحذر می دارند. برای حفظ مردان و زنان مؤمن از خطرات جامعه برای آنها گرایش به تقوا، تهجد، شب بیداری، خوف الهی، تفکر و خردمندی، امید به رحمت الهی پیشنهاد می کنند.^۱ یکی از عوامل تربیتی عبادت می باشد. شب زنده داری، نماز شب خواندن، روزه داری، اهل زهد و قناعت بودن از عوامل تربیت روحی انسان کامل می باشد.^۲ زهد، به معنای بی رغبتی به دنیا، از فضائل اخلاقی است. زهد حالتی نفسانی است که موجب توجه به آخرت، بریدن از غیر خدا و روی آوردن به خدا می شود.

تربیت جامعه با انجام امر به معروف و نهی از منکر

امام علی (ع) در نهج البلاغه می فرمایند: وَ دَعِ الْقَوْلَ فِيمَا لَا تَعْرِفُ؛ درباره آنچه نمی دانی سخن مگو. نسبت به آنچه موظف نیستی دخالت منما. در راهی که ترس گمراهی در آن است قدم مگذار یکی از راههای تربیتی توجه به عوامل گمراهی است. امر به معروف کن تا اهل آن باشی و با دست و زبانت از منکر دوری کن و از افرادی که اعمال بدی انجام می دهند، دوری کن. «فَأَصْلِحْ مَثْوَاكَ، وَلَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ، وَ دَعِ الْقَوْلَ فِيمَا لَا تَعْرِفُ، وَالْخَطَابَ فِيمَا لَمْ تُكَلِّفْ وَأَمْسِكْ عَنْ طَرِيقِ إِذَا خَفْتَ ضَلَالَتَهُ، فَإِنَّ الْكَفَّ عِنْدَ حَيْرَةِ الضَّلَالِ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْأَهْوَالِ، وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ، وَأَنْكِرِ الْمُنْكَرَ بِيَدِكَ وَلِسَانِكَ، وَبَإِينٍ مَنْ فَعَلَهُ بِجَهْدٍ» در حدیثی امیر مؤمنان علی (ع) از پیغمبر (ص) نقل می کند: «أَمَرْنَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْ نَلْقَى أَهْلَ الْمَعَاصِي بُوْجُوهٍ مُكْفَهْرَةً»^۳ امام علی (ع) روش تربیتی پیغمبر اکرم (ص) را به کار می گیرند که اهل منکر را با چهره های عبوس ملاقات کنیم و با تغییر حرکات چهره به آنها بفهمانیم که از منکر بیزاریم.

کنترل بدن

در نهج البلاغه، ازدواج مانع فحشا و منکر است؛ نظر بازی و چشم چرانی، غریزه شهوت فرد را بیدار و تحریک کرده و او را تحت فشار قرار می دهد. این درحالی است که شخص امکان ارضای غریزه جنسی خود را ندارد. اگر از راههای غیر شرعی و غیر قانونی اطفای شهوت کند، به گناه و فساد کشیده می شود و عواقب سوء آن دامنگیرش می شود. اگر شخص از انجام عمل خلاف شرع و اخلاق خودداری کند، اگرچه گناه نکرده است. اما فشار غریزه جنسی جسم و جان او را آزرده و افسرده می سازد. انسان مسلمان باید از

۱- نهج البلاغه، خطبه ۸۳

۲- بحار الانوار، بی تا، ۳۹۲، ۱۳۶۶، حدیث ۶۸، محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی

۳- نهج البلاغه، خطبه ۳۱

۴- اصول کافی، دارالقولین، ۱۳۹۳، محمد بن یعقوب کلینی، مترجم استاد ولی، ج ۵، حدیث ۱۰

چشم‌چرانی خودداری کند^۱ « فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ يَقُولُ: «إِنَّ الْجَنَّةَ حُفَّتْ بِالْمَكَارِهِ، وَإِنَّ النَّارَ حُفَّتْ بِالشَّهَوَاتِ»^۲. اطاعت از امور الهی و نهی از منکرات با سختی همراه است اما همین سختی‌ها انسان را تربیت می‌نماید. رسول خدا(ص) می‌فرمود: بهشت در میان ناراحتی‌ها و دوزخ در میان شهوات پیچیده شده‌است. «وَأَعْلَمُوا أَنَّهُ مَا مِنْ طَاعَةٍ لِلَّهِ شَيْءٍ إِلَّا يَأْتِي فِي كُرْهِ، وَ مَا مِنْ مَعْصِيَةٍ لِلَّهِ شَيْءٍ إِلَّا يَأْتِي فِي شَهْوَةٍ. فَرَجِمَ اللَّهُ أَمْرًا نَزَعَ عَن شَهْوَتِهِ، وَ قَمَعَ هَوَى نَفْسِهِ، فَإِنَّ هَذِهِ النَّفْسَ أَبْعَدُ شَيْءٍ مِّنْزَعًا وَ إِنِّهَا لَا تَزَالُ تَنزِعُ إِلَى مَعْصِيَةٍ فِي هَوَى» خداوند شرط ورود به بهشت را در پرهیز از شهوات قرار داد. از احادیث رسول خدا (ص) است که می‌فرماید: «أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا، بَرْتَرِينَ مَرْدَمَ كَسَى اسْتِ كَهَ عَاشِقِ عِبَادَتٍ بَاشِدِ وَأَنَّ رَا دَرِ آغُوشِ كَبِيرِد»^۳.

کنترل رفتار

اسلام نیازهای فطری و طبیعی انسان را بیهوده و عبث نمی‌داند و هیچ یک از آن‌ها را بدون پاسخ نمی‌گذارد. کمال انسان در دوری از گناه و انجام دستورات الهی می‌باشد. و به عبارت دیگر، اسلام همانند برخی ادیان دیگر، دینی تک بعدی نیست و از تمام ابعاد خواسته‌ها و گرایش‌های روانی، جسمانی، فطری و غریزی، فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی و یا حتی از میان صفات متضاد اخلاقی همانند غرور، تواضع، «حدّ وسطا» را برمی‌گزیند و منظور از «حدّ وسطا» ایجاد اعتدال و تعادل است.

ضرورت توجه به معنویات در تربیت افراد

امام علی (ع) می‌فرماید: «وَأَنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ لَتَسْتَقِرَّ إِلَّا عَلَى مَا جَعَلَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ مِنَ النِّعَمَاءِ، وَالْإِتِّتَاءِ، وَالْجَزَاءِ فِي الْمَعَادِ، أَوْ مَا شَاءَ مِمَّا لَا تَعْلَمُفَانِ أَشْكَلَ عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ ذَلِكَ فَاحْمِلْهُ عَلَى جِهَالَتِكَ، فَإِنَّكَ أَوْلُ مَا خُلِقْتَ بِهِ جَاهِلًا ثُمَّ عَلِمْتَ، وَمَا أَكْثَرَ مَا تَجْهَلُ مِنَ الْأَمْرِ، يَتَحَيَّرُ فِيهِ رَأْيُكَ، وَيَضِلُّ فِيهِ بَصْرُكَ ثُمَّ تُبْصِرُهُ بَعْدَ ذَلِكَ»^۴: دنیا پابرجا نمی‌ماند مگر همان گونه که خداوند آن را قرار داده‌است، گاهی نعمت و گاهی گرفتاری و سرانجام پاداش در روز رستاخیز یا آنچه او خواسته و تو نمی‌دانی و اگر درباره فهم این امور (حوادث جهان) امری بر تو مشکل شد، آن را بر نادانی خود حمل کن (و زبان به اعتراض مگشای)؛ زیرا تو در آغاز خلقت جاهل و نادان بودی و سپس عالم و آگاه شدی و چه بسیار است اموری که هنوز نمی‌دانی و فکرت در آن متحیر و چشمت در آن خطا می‌کند؛ اما پس از مدتی آن را می‌بینی (و از حکمت آن آگاه می‌شوی).

۱- اصول کافی

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶

۳- اصول کافی، دارالفتن، ۱۳۹۳، محمد بن یعقوب کلینی، مترجم استاد ولی، ج ۲، ۸۳

۴- نهج البلاغه، خطبه ۳۱

عدم پیروی از شیطان، شناخت پیروان شیطان

شیطان بر کسانی که او را به سرپرستی برگزیده‌اند تسلط دارد؛ امام علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَكَّلُونَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ»^۱ شیطان بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند تسلطی ندارد، تسلط او تنها بر کسانی است که او را به سرپرستی خود برگزیده‌اند. امام علی (ع) سینه‌های شیطان صفتان را آشیانه «ابلیس» و محل تخم‌گذاری شیطان معرفی می‌کند و به دنبال آن می‌افزاید: «این جوجه‌های شیطانی از درون سینه‌های آنها خارج شده، در دامانشان حرکت کرد و پرورش یافت»

راه علاج عدم پیروی از شیطان است. امام علی (ع) در نهج البلاغه درباره روش شیطان می‌فرماید: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يَسْنِي لَكُمْ طُرُقَهُ وَيُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ لَكُمْ دِينَكُمْ عَقْدَةً عَقْدَةً»؛ شیطان راه‌های خویش را برای شما آسان جلوه می‌دهد و می‌خواهد پیمانهای الهی دین شما را گره بگشاید».

عوامل سقوط جامعه، پیروی از حکام جاهل بدون فکر

امام علی (ع) می‌فرماید: «أَلَا وَإِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ جَمَعَ حِزْبَهُ، وَاسْتَجَلَبَ خَيْلَهُ وَرَجَلَهُ»؛ آگاه باشید شیطان حزب خود را گرد آورده و سواره و پیاده‌های لشکرش را فرا خوانده‌است. شیطان در برنامه اغواگری خود تنها نیست، بلکه لشکریانی دارد که در خطبه فوق به عنوان لشکر سواره و پیاده شیطان (خَيْلٌ وَرَجُلٌ) تعبیر شده و همچنین دستیاران و هم‌سلکانی دارد که از آن به حزب شیطان تعبیر شده بود. «إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ»؛ شیطان حزب خود را فقط برای این دعوت می‌کند که از دوزخیان و اهل آتش باشند».

سرچشمه گمراهی هر کسی یکی از سه چیز است: نخست این که بصیرت و آگاهی کافی نسبت به کاری که می‌خواهد اقدام کند نداشته باشد و ناآگاهانه وارد معرکه‌ای شود که برخلاف رضای خدا و فرمان حق است. هوا و هوسها حجابی بر دیده حقیقت بین، بیفکند و انسان را گرفتار اشتباه کند و چه بسیارند کسانی که از گناه بودن چیزی آگاهند ولی بر اثر وسوسه‌های نفس و انگیزه‌های شیطانی، مجوزهایی برای خویش درست می‌کنند و گاه، آن گناه را به عنوان یک وظیفه واجب پنداشته، به آن آلوده می‌شوند.

راه علاج از سقوط جامعه: رهروان راه حق باید خود را به خدا بسپارد و تحت ولایت او قرار دهند. «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»^۵ از تاریکیهای وساوس شیطانی رهایی یافته و به نور

۱- نهج البلاغه، خطبه ۷

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۲۱

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۰

۴- فاطر، ۶

۵- بقره، ۲۵۷

ایمان و تقوای الهی راه یابند و خود را با تمام وجود در ظلّ عنایت الهی قرار دهند. خداوند امورشان را بر عهده گیرد و هدایتشان را تضمین کند.^۱

پرهیز از آرزوهای دور و دراز

امام علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّ أَحْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ [اِثْتَانِ] اثْنَانِ: اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ وَ طُولُ الْأَمَلِ، ... فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا صَبَابَةٌ كَصَبَابَةِ الْإِنَاءِ اصْطَبَّهَا صَابُهَا»^۲ «هوای نفس عبارت از گرایش نفس آماره به بدی است، آنچه مقتضای سرشتش می‌باشد، یعنی پیروی از خوشبهای زندگی تا بدان اندازه که از حدود شریعت خارج شود، پیروی هوای نفس و آرزوی طولانی سعادت به حساب نمی‌آید. سعادت کامل جز مشاهده حضرت حق و رسیدن به درجات عالی رحمت ربوبی، و تقرب یافتن در پیشگاه خداوند، چیز دیگری نیست. پیروی از نفس آماره در خواسته‌های دنیوی و فرو رفتن در خوشبهای از بین رونده، قوی‌ترین وسیله هلاکت و نیرومندترین بازدارنده انسان از مقصد حق است و او را از پیمودن راه خداوند بازمی‌دارد و به جای پرواز در ملکوت آسمانها، وی را به پست‌ترین جایگاه جهنم سقوط می‌دهد.

کنترل دامن

حضرت علی (ع) راه‌های متعددی را جهت کنترل و مهار غریزه جنسی معرفی نموده‌است؛ مهمترین آنها ازدواج، چشم پوشی، عفت ورزی، روزه‌داری و ... است. ازدواج و گزینش همسر سبب آرامش و تسکین خاطر انسان می‌شود. به وسیله ازدواج غریزه جنسی انسان تعدیل و مهار می‌شود و با تأمین نیاز جنسی او، آرامش و آسایش خاصی برایش حاصل می‌گردد. بنابراین، طبیعی‌ترین و اصلی‌ترین راه تأمین و مهار غریزه جنسی، با توجه به فطرت ازدواج است؛ به طوری که هر فردی که به سن بلوغ می‌رسد نیازمند ازدواج است و تنها با ازدواج است که به طور کامل و صحیح فشار غریزه جنسی کاهش یافته و تعدیل می‌شود. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «هر کس ازدواج کند نصف دینش را حفظ کرده‌است، پس باید با تقوای الهی و پرهیزگاری نصف دیگرش را حفظ کند.» از این کلام رسول مکرّم اسلام معلوم می‌شود که ازدواج کمک بسیار بزرگی است در حفظ و تعدیل غریزه جنسی؛ هم‌چنین ازدواج در سالهای طبیعی مانع فحشا و منکر است؛ از این رو، انسان نباید بی‌جهت و بدون دلیل موجه ازدواج را به تأخیر اندازد و خود را از این حلال مفید و چاره‌ساز محروم سازد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «افضل الشهادات ان تفضل بین اثین من نکاح»^۳ از بهترین امور، شفاعت بین دو نفر در امر ازدواج است تا اینکه خداوند آنها را مجذوب هم کند.^۳ ازدواج کمک بسیار بزرگی در حفظ و تعدیل غریزه جنسی است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: از بهترین امور، شهادت بین دو نفر در امر ازدواج است تا اینکه خداوند آنها را مجذوب هم کند.

۱ - بحار الانوار، بی تا، ۱۳۶۶، ج ۱۷، حدیث ۵۳، محمد باقرین محمد تقی، مجلسی

۲ - نهج البلاغه، خطبه ۴۲

۳ - وسائل الشیعه، ناشر کتابچی، ۱۳۸۶، محمد بن حسن حر عاملی، ج ۵، ص ۲۰

پیشگیری از شایعات و تهمتهای جنسی در جامعه

«شهوة» در لغت دارای مفهوم عامی است که به هرگونه خواهش نفس و میل و رغبت به لذات مادی اطلاق می‌شود، گاهی علاقه شدید به یک امر مادی را نیز شهوت می‌گویند. «شهوة» نقطه مقابل «عفت» است «عفت» یکی از فضایل مهم اخلاقی در رشد و پیشرفت و تکامل جوامع انسانی است، اما شهوت که مقابل عفت قرار دارد، موجب سقوط فرد و جامعه می‌شود. اسلام همواره به مسلمانان توصیه می‌کند تا درباره آن چه به آن یقین و علم ندارد، زبان نگشاید همچنان که می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (امام سجاد (ع) فرمود: «هر گونه که دلت بدان متمایل است نمی‌توانی لب بگشایی. شایعه خبر بی اساسی است.» که گوینده آن را برای ترور شخصیت انسان برجسته و آبرومند و یا هر موضوع دلخواه - فردی یا اجتماعی - در جامعه نشر می‌دهد. امام علی (ع) می‌فرماید: هر که درباره مؤمنی بگوید آنچه دو چشمش دیده و دو گوشش شنیده، پس او از کسانی است که خداوند درباره آنها فرموده: «همانا برای کسانی که دوست دارند گناه در میان کسانی که ایمان آورده‌اند رواج یابد، عذابی دردناک در دنیا و آخرت هست»^۲

ویژگی‌های شایعه

الف) شایعه دارای پشتوانه است یعنی فرد یا افرادی در نشر آن دست اندرکارند و بار تهمت‌ها و غیبت‌ها و ... را بردوش دارند.

ب) شایعه مرز ناشناس است و تیر آن به سوی هر کس نشانه می‌رود.

ج) شایعه عمر کوتاهی دارد و پس از چندی از شدت آن کاسته می‌شود و شیرینی و لذت آن برای بانیان آن به تلخی بدل می‌شود.

د) شایعه افراد ساده لوح را می‌فریبد و در آنها تأثیر می‌گذارد. قرآن کریم شایعه سازان را مستحق عذاب می‌داند.

فلسفه تحریم شایعه در اسلام

کسی که شایعه را گسترش دهد و دوست دارد چنین اتفاقی انجام گیرد گویی خود آن را انجام می‌دهد. و جامعه را مسموم می‌نماید. و مردم نسبت به یکدیگر بدبین می‌گردند در حالی که قرآن مردم را به حسن ظن نسبت به برادر دینی فرمان می‌دهد. و مردم می‌خواهد ابتدا تحقیق نمایند سپس سخن گویند.

۱- اسراء، ۲۶

۲- اصول کافی، دارالقولین، ۱۳۹۳، محمد بن یعقوب کلینی، مترجم استاد ولی، ج ۴، ص ۸۲

بحث و نتیجه گیری

رکن فرهنگی در جامعه جاهلی، حسب، نسب، عصب، مجموعه افتخارات، شعرای قبیله، کاهنان و ساحران قبیله، تعداد جنگ‌ها، پیروزی‌ها، شمار افراد قبیله، تعداد پهلوانان قبیله، دستیابی به زندگی مادی و ... بود که یک قبیله برای خود کسب کرده بود. حافظان حسب در هر قبیله کاهنان، شاعران و خطبا بودند.^۱ اعراب عربستان در دوره جاهلی از فرهنگ همسایگان بی‌تأثیر نمانده بودند، همسایه‌های عربستان عبارت بودند از: یمن، حبشه، ایران، شام که در این کشورها نیز پیش از ظهور اسلام کجی، عقاید نامعقول، شرک، بت‌پرستی، ستم به زنان و برتری جویی مردان و ... حاکم بود. امام علی (ع) سنت‌های قومی قبیله‌ای و افکار و ارزشهای جامعه جاهلی را متلاشی نمود و انقلاب نو بنیاد اسلامی را با فرهنگ جدید و ارزش و هنجارهایی متفاوت در نظام خانواده و همسران و روابط مرد و زن در اجتماع اسلامی بنا نهاد. فرهنگ دینی از فرهنگ غیر دینی جداست و انسان را به کمال انسانی و زندگی ابدی می‌رساند. تربیت غربی انسان را به لذت‌جویی و استفاده از مواهب دنیایی سوق می‌دهد و انسان را به گونه‌ای تربیت می‌نماید که به طریق ممکن سعادت و لذت دنیایی را به دست آورد. حضرت علی (ع) به عنوان اولی‌الامر در روی زمین و جانشین رسالت پیغمبر (ص) به تبیین اصول مکتبی اسلام و پراختند ادبیات نهج‌البلاغه با تبعیت از ادبیات قرآن باورها و عادات ناپسند جاهلی در نوع نگاه به زن و زندگی و خانواده و جامعه را ویران نمود و تعابیر مساوی زن و مرد در بیان توصیه‌های اخلاقی، پاکدامنی و وفاداری همسران، رعایت عفت، حفظ حریم خصوصی، ضرورت معاشرت معروف میان همسران، قنوت و فرمانبرداری از همسر، ضرورت محافظت از چشم، گوش گفتار، عدم پیروی از شیطان و هوای نفسانی و ... کوشید با هویت بخشی به فرهنگ دینی و استقلال فرهنگی مسلمانان و ایجاد جامعه انسانی به عنوان الگوی مسلمان خانواده و جامعه از آسیب و انحراف اخلاقی در جامعه مصون دارد. امام علی (ع) با تغییر در حوزه اصول دین و اعتقادات؛ بلکه در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی، نوع نگاه به زن نظام رفتاری زن و مرد مسلمان در جامعه ایجاد نمودند. نهج‌البلاغه با اعجاز کلام، انتخاب بهترین واژه‌ها و ترکیب‌ها را به استخدام خویش گرفته تا با کمک ادبیات نهج‌البلاغه، فرهنگ منحط جاهلیت را تغییر داده و ارزشهای اسلامی و انسانی را جایگزین آن نمایند. کاربرد اصطلاحات تازه و نوپدید با ظاهر دینی در ادبیات عرب تحول ایجاد نمود؛ مفاهیم دینی شکل یافت و آنها را در اذهان مسلمانان نهادینه ساخت. نهج‌البلاغه فرهنگ پسندیده‌ای به مؤمنان آموخت تا عامل آرامش فکری و خوش بینی آنان نسبت به دین و نگاه مثبت به زندگی و جامعه فراهم نماید و جامعه‌ای ابی متعالی و اسلامی بر پایه ارزشهای اسلامی تربیت نمود. امام علی (ع) به عنوان جانشین پیامبر (ص) موقعیت مهم «زن» در اجتماع بشری و جایگاه بلند او و شایستگی‌ها و استعدادهای فراوانی را که دست

۱ - المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، مکتبه النهضه بغداد، دارالملايين بیروت، ۱۹۶۸، جواد علی

آفرینش در وجود زنان به ودیعه نهاده شده را گوشزد کرد و خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار حضرت علی (ع) در رابطه با معرفی مقام مهم زن و ارزش والای او برای مردم بیان فرمودند.

Sources and references

Holy Quran

Principles of education and training, University of Tehran publications and printing, November 1371, Ali Shariatmadari.

-Osool alkafee, Dar al-Saqlain, 2013, Mohammad bin Yaqoob Kalini, the translator of Ustad Wali.

-Imam Ali, the voice of human justice, the voice of human justice, Bostan Kitab, 1337, George Zidaq.

-Bahar alanvar, Bita, 1366, Hadith 68, Muhammad Bagharbin Muhammad Taqi, Majlesi.

-pyam Imam, Al-Kitab Islamiyeh Publisher, 1386, Makarem Shirazi, Nasser. Experience and Education, Tehran, Book Publications, 2012, John Dewey, translated by Ali Akbar Mir Hosseini.

Al tahkik fe kalamat Holy Quran, Dar al-Kutb Al-Alamiya, the publishing center of Allameh Mostafavi's works, 1430, Mostafavi.

-Where does education leave you?, University of Tehran, 1375, Piaget, Dr. Mansour, translated by Dr. Dodestan.

-Determining the pattern and classification of topics in cultural engineering of the country, Fajr Velayat Cultural Institute, 2014, Pirouzmand, Alireza, Mostafa Jamali.

-What is cultural invasion?, Basij Studies Quarterly, Jashidi, Mohammad Hossein.

-Darwin and the theory of evolution, Phoenix Publishing 2019, Christian Lusen, translator: Sarah Hashemi.

-kamoos , 729-817 AH, Center for the Great Islamic Encyclopaedia, Haji Khalifa, Mustafa bin Abdullah al-Qastantani, (1982), Discovering Al-Dhanun on the Names of Books and Art, Beirut: Dar al-Fikr. Firozabadi, Mohammad Amin Yacoub.

-Al Eyyen, Hijrat Publications, 2nd, 2nd, Khalil bin Ahmad Farahidi.

Kamal al-Din Maitham bin Ali bin Maitham Bahrani, Islamic Research Foundation, 1375, translated by Mohammad Sadegh Aref and others, the description of Nahj al-Balaghah.

Dehkhoda dictionary, first edition, University Publishing and Printing Institute 1373, Dehkhoda, Ali Akbar.

- Payam Zan Magazine, Shahrivar 1380, No. 114, Women and Nahj al-Balagheh with a psychological perspective, first part, Maryam Moin al-Islam.
- Mafradat fi al-Ghareeb al-Qur'an, Beirut, Dar al-Alam, al-Darashafi, 1412 AH, Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad.
- Comparison of the status of women in the period of ignorance and after Islam, New history, summer 2014, Mustafa Pirmoradian, Matin Al-Sadat Islahi, Mahshid Al-Sadat Islahi.
- Selected from Nahj al-Balagheh passages, Sobhan Publications, 1388, Mustafa, Rahim Niya.
- The relationship between religion and culture from the perspective of the Quran, Quranic studies, 2017, Bahrami, Mohammad.
- Nahj al-Balagheh, Nasim Publications, 1379, Mohammad Dashti.
- Shi'a tools, Kitabchi Publisher, 2016, Mohammad Bin Hasan Har Amili.

Nahj al-Balagha literature in the education of men and women in society

Narjes Nasrallahi

Abstract

The position of man and woman in the family life has long been of interest to For a long time, the origins of which can be traced back to the Qur'an and Ahj al Balagha. Man is a creature who has been replaced by God on earth. Man needs to be educated in order to reach the position of God's caliph. Factors such as natural environment, family environment, community, companionship, friends have a great impact on one's education. The literature of tribal elders, leaders and propaganda apparatuses can be effective in creating culture and educating the people of the society. Imam Ali (Has given some guidelines for men and women, in order to protect the society from the psychological problems due to wrong behaviors In Nahj al-Balaghah There are the tools that God has given to man to improve...the tools to improve the relationship between men and women in And, and curb the lust Sex like the eyes, ears, tongue, behavior and actions of human beings. In pre-Islamic ignorance and modern ignorance; There were the cases such as burying the children alive, especially girls children, especially daughters, polygamy, marriage with the father's wife, incestuous marriage, following the devil, immorality, and gossip. This In a descriptive and analytical way the words of Imam Ali (AS) in the moral education of men and women and the creation of a lifestyle in society in contrast to Western and European education.

Keywords: Nahj al-Balagha literature, education, male-female relations, ignorance.